

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبهانگ راد
۱۹ اکتوبر ۲۰۱۴

داعش، نقشه راه امپریالیستی!

بر تنش منطقه و با ائتلاف بیش از ۴۰ کشور و به سرکردگی امپریالیسم امریکا، افزوده شده است. پیشاپیش سنایور را نوشته‌اند، صحنه را آماده و سلاح‌ها را تدارک دیده‌اند و بازی‌گران اصلی - این دوره - را انتخاب نموده‌اند تا شعله‌های جنگ‌های ارتجاعی را گسترده‌تر نمایند. نظر به پایانی چنین جنگ‌هایی از جانب جانیان بشریت نیست. یکی پس از دیگری بر فضای خانه محرومان و بر جوامع منطقه خاورمیانه سنگینی می‌کند. باز تولید عناصر، نیروها و دسته‌جات ارتجاعی از جانب قدرت‌مداران بین‌المللی هم تمام شدنی نیست و هر از چند گاهی حامیان جیرمخوار و مزدور، به دستور اربابان‌شان به‌عنوان میدان‌دار و پیش‌برنده سیاست‌های امپریالیستی، ایفای نقش می‌نمایند. اگر نگوییم که چنین جریان‌ات و دسته‌جات ارتجاعی، تاریخ مصرفی داشته، بلکه و به جرأت می‌توان گفت که هر یک از آنان، در دوره معینی، صحنه گردان اصلی سیاست‌ها و پی‌گیر منفعت سرمایه‌داران جهانی در منطقه و در جوامع متفاوت‌اند.

این‌بار داعش را علم نموده‌اند و به‌عنوان دشمن اصلی مردم، و به‌عنوان پرچمدار نقض دموکراسی و زیر پا گذاشتن حقوق پایمندی انسان‌ها به دنیا معرفی می‌نمایند؛ این‌بار داعش را در مقابل سازندگان جوامع انسانی به صف نموده‌اند تا نقشه‌های شوم خود را پی گیرند؛ داعشی که تغذیه مالی و تسلیحاتی آن، از جانب امپریالیست‌هاست و کمترین شک و تردیدی، از تعلق وی، به طبقه بالائی‌ها نیست. خودی‌های‌شان می‌گویند و بارها و بارها اعلام نموده‌اند که القاعده و داعش، دست‌پرورده ماهاست و به‌منظور منفعت و منافع خاصی علم شده‌اند. پُر واضح است که تاریخ پیدایش و اهداف این‌دست، دسته‌جات مسلح و ارتجاعی در منطقه خاورمیانه تازگی - نداشته و - ندارد و طبعاً، داعش نه آخری، بل از جمله بازی‌گر این دوره سیاست‌های امپریالیستی - و آن‌هم از نقشه راه‌های کنونی امپریالیست‌ها - در منطقه می‌باشد. چرا که قرار نیست شعله جنگ‌های ارتجاعی و مخرب، فروکش شود؛ قرار نیست تا مردم منطقه، روی آرامش و آسایش را در زندگی روزمره خود لمس نمایند؛ قرار نیست تا به زعم سرمایه‌داران، آینده از آن توده‌های محروم باشد. کارگر و زحمت‌کش را به فجیع‌ترین شکل ممکنه مورد تعرض و یورش قرار می‌دهند تا چرخش سیاست‌ها و زیاده‌خواهی‌های سرمایه‌داران بین‌المللی، دچار اختلال نگردد و از مسیر دل‌خواه باز نایستد.

در حقیقت نگاه به تصاویر مخابره شده از میادین جنگ‌های ارتجاعی، بر این حقایق آشکار صحنه می‌گذارد که در چنین جنگ‌هایی، مردم ذینفع - نبوده و - نیستند و به‌عنوان بازندگان واقعی آن‌ها به حساب - آمده و - می‌آیند. این جنگ‌ها، جنگ جناح‌های رقیب، بر سر هژمونی و بر سر چپاول هر چه بیش‌تر منابع طبیعی و ایجاد رعب و وحشت گسترده‌تر مردم است. جنگ‌ها و کُشت و کُشتاری که چشم‌اندازی در پایان کوتاه مدت آن نیست و آن‌چنان تکان‌دهنده، فجیع و دردناک است که با هیچ کلمه و مفهومی نمی‌توان از در توضیح آن‌ها بر آمد. جانیان بشریت و حامیان رنگارنگ‌شان به

دروغ خود را منادی و ناجی مردم معرفی می‌نمایند و قیافه سازندگان جوامع بشری را به‌خود می‌گیرند. چپاول، ستم، استثمار و تخریب خانه و کاشانه مردم و همچنین راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی از زمره وظایف اولیه و پایه‌هایشان را تشکیل می‌دهد و کار و بارشان و خلاف اراجیف اوباما مبنی بر این‌که "آینده متعلق به کسانی است که می‌سازند نه آنانی که خراب می‌کنند" نیست. به این دلیل که اوباما و دیگر هم‌قطارانش آمده‌اند تا اموال عمومی جوامع سرشار از منابع طبیعی را غارت نمایند؛ آمده‌اند تا تنمه‌های کارگران و زحمت‌کشان را به جیب زنند؛ بنابر این و بی‌جهت خود را در مقام و منصب ناجیان بشریت قرار می‌دهند. دیروز با بازی و با برگ القاعده به‌میدان آمده‌اند و امروزه، داعش را به‌عنوان صحنه گردان سیاست‌های ناتمام‌شان به صف نموده‌اند. آری، داعش را به‌عنوان یک نیروی بازدارنده پیشرفت انسانی به دنیا معرفی می‌نمایند و نیروی بس عظیمی را در جهت "مبارزه" و "تلاشی" نهائی مرتجعین و وابستگان به سرمایه سازمان می‌دهند. در حاشیه و تأکید بر یک‌موضوع به نابجا نیست که هم‌سو شدن با چنین فضائی، بر روند و بر مسیر رو به بالنده جنبش‌های اعتراضی خالص اثر منفی خواهد گذاشت و امر انقلاب را، به تأخیر و در حقیقت به موضوع حاشیه‌ئی و دست چندی مبدل خواهد ساخت. تشخیص چنین موردی از یک‌سو و تلاش به‌منظور تغییر آن و سمت‌وسو دادن جهت اصلی مبارزه و نشانه‌گیری عملی، به سمت مبتکران و مولدان چنین وضعیتی از سوی دیگر، از ضرورت‌هاست.

واقعیت این است که خلاف بلندگوهای امپریالیستی، داعش، در دنیای سراسر رشد و تکنولوژی سرمایه، و در دنیای حاکمیت سلاح‌های مدرن و کشف‌کننده، نیروئی غیر قابل کنترل نیست؛ نیاز به این‌همه لشکرکشی و تبلیغات؛ نیاز به این‌همه بسیج انسانی و سرازیر نمودن تسلیحات به منطقه - نبوده و - نمی‌باشد؛ نیاز به آن نیست تا نقشه سال‌ها مبارزه با این نیروی دست‌ساز را در دستور کار خود قرار داد و فضای منطقه را میلیتاریزتر نمود؛ نیاز به آن نیست تا پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و "کارآمدترین" عناصر سرمایه را در منطقه به صف نمود تا تقاله دیگری از سرمایه را، از بازی‌های سیاسی منطقه دفع و خارج نمود. به بیانی دیگر، هدف قدرت‌مداران بین‌المللی و گردانندگان اصلی جنگ، نه مبارزه با داعش، بل گسیل هر چه بیش‌تر نیروی سرمایه و همچنین راه‌اندازی هواپیماهای جنگی و استفاده سلاح‌های مدرن امپریالیستی و قراردادهای کلان تسلیحاتی و آن‌هم به بهانه مبارزه با تروریست و داعش است؛ هدف تثبیت مجدد هژمونی دنیا و منطقه خاورمیانه از جانب امپریالیسم امریکاست و بر بستر چنین اهداف و سیاستی‌ست که، نقشه‌ها و راه‌های گوناگون را در مقابل خود قرار می‌دهند.

به هر حال و فارغ از ماهیت چنین جنگ‌هایی، پرسش آن است که آیا چنین اوضاع و آشوب‌هایی، فاقد مدیریت و هدایت‌گری‌ست و آیا می‌توان علی‌رغم مخالفت‌های میلیونی طبقات پائین، روندکنونی را متغیر ساخت و سیاست جنگی دیگری را، به جوامع زیر ستم و همچنین به مبتکران و گردانندگان اصلی آن تحمیل نمود؟ آیا می‌توان مسیر و شکل دل‌خواه سرمایه‌داران بین‌المللی را بر گرداند و جامعه را به سمت جنگی انقلابی و ثمربخش هدایت نمود؟

طبعاً پاسخ به پرسش‌های فوق در درجه نخست، به انجام کارهای مهم و اساسی، و به توضیح و تشریح همه جانبه سیاست‌ها و ماهیت طرفین درگیر در جنگ کنونی - کوبانی - ، و در ثانی در اقدام عملی انقلابیون و کمونیست‌ها و آن‌هم بدون چشم‌داشت و کمک از سرمایه‌داران بین‌المللی و به ویژه امپریالیسم امریکا و دیگر دار و دسته‌هایشان بر می‌گردد. به آن بر می‌گردد تا سیاست مستقل خود را به ورطه عمل گذاشت و با مرزبندی عملی و قاطع - و آن‌هم در صفی جداگانه -، دست رد به سینه "مخالفین" داعش زد. انتخاب چنین رفتار و کرداری از جانب نیروها و سازمان‌های مردمی و کمونیستی، پیشرفت و روند کنونی سیاست‌های امپریالیستی در منطقه را کند، و در ادامه و گام به‌گام، صف جنگ‌های ارتجاعی و بدون برنامه روشن و هدفمند را، به صف جنگ‌های روشن و هدفمند و به صف جنگ‌های انقلابیون با ضد انقلابیون مبدل خواهد ساخت. اگر نگوئیم در دهه‌های دور، ولی و به جرأت می‌توان گفت که از زمان

فروپاشی کامل بلوک شرق، دنیای انسانی، کمتر شاهد بر انگیختگی و تعرض سازمان‌یافته کمونیست‌ها و مردمی علیه ضد انقلاب حاکم و مسلح بوده است. دهه‌هاست که شاخصه‌های مبارزاتی - و بنابه ده‌ها دلیل - و همچنین اولویت‌های مردم دنیا و به ویژه منطقه خاورمیانه - و به دلیل اتخاذ سیاست‌های فریبکارانه سرمایه‌داران بین‌المللی - تغییر یافته است و مسیر اعتراضات مردمی علی‌رغم تمایل باطنی‌شان، به سمت‌وسوی دیگری هدایت می‌شود. مدت‌هاست که تقلای سرمایه‌داران صد چندان شده است و بار بحران ناعلاج‌شان را بر دوش میلیاردها انسان محروم سرشکن می‌نمایند. به تبع آن‌ها شاهد بوده‌ایم که چگونه ورشکستگی ده‌ها بانک امریکائی و اروپائی، در چند سال اخیر، بر فضای اقتصاد دنیای کنونی و همچنین بر فضای زندگانی میلیاردها انسان محروم اثر گذاشته و باعث وحشی‌گری سرمایه‌داران بین‌المللی از یک‌سو، و اعتراضات و نارضایتی هر چه بیش‌تر کارگران و توده‌های ستمدیده اقصاد نقاط جهان، از سوی‌دیگر گردیده است. اعتراضات و اعتصابات که دمار از روزگار جانپان بشریت در آورده و باعث گردیده است تا امپریالیست‌ها، با اتخاذ سیاست‌ها و تاکتیک‌های تازه و همچنین با علم نمودن جریان‌ات ارتجاعی و وابسته، مناسبات گندیده خود را همچنان بر مردم تحمیل نمایند. مخالفتی در آن نیست که اوضاع جهان بسیار وخیم و در هم ریخته، پُر آشوب و به تار موئی بند است. خیابان‌ها هر لحظه در انتظار سرازیر شدن مردم و به مصاف طلبیدن طبقه سرمایه‌داری‌ست. بحران بر تار و پود سرمایه ریشه دوانده است و علی‌رغم چنین اوضاع و در هم ریختگی، قدرت‌مداران بین‌المللی با نقشه و با مدیریت روشنی به‌میدان می‌آیند؛ با انتخاب سیاست "ریاضت‌کشی" توأم با هجوم افسار گسیخته و راه‌اندازی جنگ‌های خانمان‌سوز و مخرب، بر حیات به ناحق خود تداوم می‌بخشند و عناصر، نیروها و دسته‌جات مسلح و ارتجاعی جدیدی را در چهارچوبه منفعت ستراتیژیک‌شان به صف می‌کنند. سیاست و منفعتی که اجرائی و پیش‌رفت آن‌ها، منوط به بازی‌گران تازه، و منوط به تغییر صوری و روبنائی بعضاً جوامع زیر سلطه و جابه‌جائی دیکتاتور‌هاست.

بنابر این، طالبان، القاعده، حزب‌الله، اخوان‌المسلمین و النصر و غیره و به تازگی‌ها داعش، در خدمت به انجام چنین راه و نقشه‌ای‌ست و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، این‌دست دسته‌جات و گروه‌های مسلح، تفاوت ماهوی با یک‌دیگر نداشته و یکی پس از دیگری، پی‌گیر همان سیاست‌ها و خواسته‌های قدرت‌مداران بین‌المللی در دنیا و در منطقه خاورمیانه‌اند. در حقیقت همه این‌ها از یک تبار و از یک قماش‌اند و هیچ‌یک از آنان در صف آزادی‌خواهان و هیچ‌یک از آنان مدافع و تضمین‌کننده سازندگی و آبادانی و همچنین تأمین‌کننده خواسته‌های بدیهی میلیون‌ها انسان دردمند نیستند. ترسیم جهان سراسر آزاد و همچنین محترم شمردن حقوق انسان‌ها، بر عهده آنان نیست و همه آنان مستحق نابودی و دفن‌اند. در یک کلام و متأسفانه باید اذعان نمود که صفوف جنگ کنونی، علی‌رغم تسلیح مردمی و زنان و جوانان - و به ویژه کوبانی‌ها -، پُر ابهام و ناروشن است و می‌باید با درایت و با هوشیاری تمام، جبهه علیه داعش را - و آن‌هم با برنامه سنجیده و دقیق -، به جبهه‌ای وسیع‌تر و علیه تمامی جنایت‌کاران و گردانندگان اصلی آن در منطقه تبدیل نمود. بدون کمترین تردیدی، چرخش اوضاع و خروج از چنین وضعیتی در پاسخ‌گویی و در سازمان‌دهی جنبش‌های اعتراضی - مردمی، و آن‌هم در بستر جنگی انقلابی توسط کمونیست‌هاست. تا زمانی‌که جنبش‌های اعتراضی - کمونیستی در تقابل با نقشه‌ها و راه‌های گوناگون امپریالیست‌ها به صف نشوند، اوضاع مردم دنیا و به ویژه مردم منطقه خاورمیانه، درناک‌تر و وخیم‌تر خواهد شد.

اکتوبر ۲۰۱۴

شهریور [میزان] ۱۳۹۳